

دستاوردهای سیاسی و بین‌المللی

چکیده

نوشتار حاضر مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی و بین‌المللی را بررسی کرده و در حد امکان به مقایسه آنها با وضعیت پیش از انقلاب اسلامی پرداخته است. پیش از انقلاب اسلامی، ایران نه تنها در نظام بین‌الملل فاقد هرگونه نقش اساسی بود، بلکه به دلیل دخالت آشکار دولت‌های غربی و شرقی در امور مهمی مانند عزل و نصب شاهان از جمله پهلوی اول و دوم، حتی برای تصمیم‌گیری در باره امور داخلی خود نیز اختیاری نداشت. اصلی‌ترین دستاوردهای سیاسی و بین‌المللی انقلاب اسلامی، دستیابی به استقلال سیاسی و نفی هرگونه سلطه بیگانگان، تأسیس نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی، ارتقای آگاهی سیاسی، رشد سیاسی مطبوعات و رسانه‌های جمعی، تقریب امت اسلامی، رواج احزاب و تشکل‌های سیاسی، استکبارستیزی و تحقیر آمریکا و... بوده است.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، دستاوردهای سیاسی، دستاوردهای بین‌المللی، استقلال مردم‌سالاری دینی، استکبارستیزی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که تبلور اراده ملت ایران برای احیای ارزش‌های دینی و الهی است، به دلیل ماهیت دینی‌اش، از همان ابتدای شکل‌گیری، با واکنش منفی دنیای استکبار روبه‌رو شد؛ به گونه‌ای که با ترندهای گوناگون از جمله جنگ تحمیلی هشت‌ساله، تحریم‌های همه‌جانبه، ترور، قتل و ناامنی، در پی به زانو درآوردن آن برآمدند. با وجود این، با غلبه بر این ترندها که به طور مستقیم و غیرمستقیم با اراده استکبار جهانی اعمال شد، اینک پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، بازخوانی دستاوردهای آن برای آشنایی بیشتر بخش‌های گوناگون جامعه و شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های مسیر طی شده، امری بایسته است.

وضعیت سیاسی کشور قبل از انقلاب اسلامی

برای درک بهتر دستاوردهای سیاسی کشور، لازم است ابتدا مروری بر شرایط سیاسی کشور قبل از وقوع انقلاب اسلامی داشته باشیم تا بر اساس آن، بتوان قضاوت دقیق‌تری از عظمت دستاوردهای انقلاب اسلامی داشت. تا قبل از انقلاب اسلامی، ایران کشوری بود که نه تنها درباره نظام بین‌المللی هیچ‌گونه نقشی بر عهده نداشت، بلکه با دخالت علنی دولت‌های غربی و شرقی در امور مهمی مانند عزل و نصب شاهان، از جمله پهلوی اول و دوم، حتی امکان تصمیم‌گیری در اداره امور داخلی خود را نیز نداشت. ملاحظه تاریخ سیاسی کشور از دوره قاجار تا پهلوی نشان می‌دهد که بیگانگان به طور مستقیم، در امور جاری کشور دخالت داشتند و تمشیت امور آن با خواست و اراده آنان رقم می‌خورد. چنان‌که ناصرالدین‌شاه قاجار از دخالت دولت‌های روسیه و انگلیس در امور کشور حتی برای مسافرت به شمال و جنوب کشور ابراز نگرانی می‌کرد؛

رضاشاه پهلوی با ارادهٔ بیگانگان به قدرت نشست و با همان ارادهٔ مجبور به ترک کشور شد و بقای محمدرضاشاه بر اریکهٔ قدرت نیز تنها با دخالت مستقیم دولت ایالات متحده در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ میسر شد. دخالت‌های تحقیرآمیز دولت ایالات متحده در امور کشور، از جمله تحمیل قانون کاپیتولاسیون و یا کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و همچنین غارت و چپاول منابع طبیعی کشور توسط بیگانگان نیز از مواردی است که بیانگر اوج ذلت و سرسپردگی حاکمان وقت کشور بوده است.

استقلال و نفی سلطهٔ بیگانگان

بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در عرصهٔ سیاسی را باید دفع سلطهٔ بیگانگان و استقلال کشور از دخالت بیگانگان دانست. به طور معمول، قدرت‌های جهانی برای دستیابی به منابع اقتصادی و بهره‌جویی از بازار مصرف در کشورهای جهان سوم، از وجود دولت‌های حاکم و مهره‌های سیاسی خود در این کشورها بهره گرفته‌اند. حاکمیت ارادهٔ بیگانگان بر مقدرات کشور و دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان، بزرگ‌ترین ارمغان رژیم‌های گذشته برای ملت ایران بود که منجر به خودباختگی فرهنگی و احساس حقارت و ذلت در برابر قدرت‌های بیگانه می‌شد.

امام همهٔ بدبختی ملت ایران را به علت دخالت قدرت‌های بزرگ می‌دانست و فرموده است: «ما اجازه نخواهیم داد که دولت‌های ابرقدرت در مقدرات مملکت ما دخالت کنند، گذشت آن زمان که اینها بدون چون و چرا در این امور دخالت می‌کردند».^۱ رهبر معظم انقلاب نیز فرموده‌اند:

۱. صحیفهٔ امام، ج ۶، ص ۳۰۹.

«انقلاب اسلامی با ایستادگی در مقابل نظام سلطه، توانست به ملت ایران، هویت و آرمان بدهد»^۱.

تأسیس حکومت مبتنی بر احکام دین

تجربه تأسیس حکومت دینی و آوردن دین به صحنه اجتماع در جهانی که در فضای سکولاریسم غوطه‌ور شده بود و حتی امکان با دین زیستن به اندیشه‌اش خطور نمی‌کرد، دستاورد منحصر به فرد انقلاب اسلامی است که در هیچ جای جهان، سابقه نداشته است.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمان و سیاستمداران همگام با نظام‌های غربی، برای رسیدن به اغراض خویش با تبلیغ اندیشه جدایی دین از سیاست، تلاش می‌کردند مردم را از دخالت در سرنوشت خود باز دارند. محمدرضا پهلوی با هدف جلب توجه آمریکا در موضوع توسعه و مدرنیزه کردن کشور، با حرص و ولع به اجرایی کردن سیاست‌های لائیسزم و تغییر ارزش‌ها و هنجارهای ملی و مذهبی مبادرت می‌ورزید. اما انقلاب اسلامی ایران با کشیدن خط بطلان بر اندیشه جدایی دین از سیاست، دخالت در امور سیاسی و تعیین سرنوشت خود را طبق تعالیم اسلامی ضروری شمرد و دیانت و سیاست را بر پایه جمله معروف شهید مدرس که «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست»^۲، لازم و ملزوم یکدیگر دانست. گسیل داشتن فکر و قلم اندیشمندان و کارشناسان به مطالعه، تحقیق و تدوین آثار علمی در زمینه دین، از آثار و نتایج این رویکرد است؛ به گونه‌ای که امروزه به یمن

1. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=36758>

حرکت انقلاب اسلامی، هزارها کتاب، مقاله، کنفرانس و همایش علمی سالیانه در جای‌جای جهان پهناور امروز در موضوع دین نگاشته یا به اجرا در می‌آید.

با ظهور انقلاب اسلامی نه تنها روح تازه‌ای در کالبد اسلام و شیعه دمیده شد، بلکه تمام ادیان الهی جان تازه‌ای گرفتند و امیدها برای احیای مجدد معنویات در جهان قوت گرفت. با چنین رویکردی، نظام اسلامی توانست اسلامیت را با ملیت، دین را با سیاست، مبارزه با استبداد و استکبار را با حمایت از مستضعفان جایگزین کرده، آزادی، استقلال و خودباوری را به عنوان ارمغانی بزرگ از سوی دین اسلام به انسان‌های آزاداندیش هدیه کند. توجه به ملت‌ها به جای دولت‌ها، توجه به ارزش‌های انسانی و اسلامی، حمایت از ستمدیدگان، دفاع از کرامت انسانی، اعلام برائت از حکومت‌ها و حاکمان دیکتاتور، حمایت از مبارزات و حرکت‌های آزادی‌بخش و ضداستبدادی، گسترش ارتباطات با کشورهای ضعیف، و مقابله با خوی استکباری کشورهای غربی، از اهم محورهای سیاست خارجی نظام اسلامی در پرتو به صحنه آوردن دین در ساحت اجتماع و سیاست بوده است.

مردم‌سالاری دینی

دموکراسی به مفهوم حکومت مردم یا مردم‌سالاری، از دستاوردهای بزرگ جامعه بشری در قرن‌های اخیر است و از پایه‌های اصلی رشد و توسعه کشورهای به شمار می‌آید. سابقه دموکراسی و مردم‌سالاری دینی در ایران، از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی است. «انتخابات» به عنوان رکن اصلی دموکراسی، از همان ابتدا مورد توجه مسئولان نظام

واقع شد و تاکنون بالغ بر ۴۰ بار با رعایت معیارهای شناخته شده، انتخابات برگزار شده است. همه پرسی نظام جمهوری اسلامی در فاصله کمتر از دو ماه از انقلاب اسلامی، با رأی ۹۸ درصدی مردم در فروردین ۱۳۵۸، اولین نشانه اهمیت و استقبال از مردم سالاری بوده است. به دنبال آن، همه پرسی قانون اساسی، تشکیل مجلس شورای اسلامی، انتخاب رئیس جمهور، اعضای خبرگان رهبری و نمایندگان شوراهای اسلامی به صورت منظم و در موعد مقرر، در عمر ۳۸ ساله انقلاب اسلامی، از نشانه‌های این اهتمام به شمار می‌رود. همه این پدیده‌ها در حالی اتفاق افتاد که قبل از انقلاب اسلامی، اداره امور کشور توسط اقلیتی نظامی تحت عنوان رژیم شاهنشاهی و بدون هیچ گونه مراجعه به رأی و نظر مردم انجام می‌شد.^۱ بر همین پایه، رهبر معظم انقلاب همواره بر اهمیت رأی و نظر مردم پافشاری داشته‌اند و فرموده‌اند: «هیچ کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند... بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی سر پا نمی‌شود و نمی‌ماند».^۲

بر همین پایه، باید یادآور شد اگر انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی را نقطه آغاز تحولات جدید در اروپا به شمار آوریم، سابقه دموکراسی در کشورهای غربی به بیش از ۲۰۰ سال باز می‌گردد، با وجود این، دستاوردهای دموکراسی در این کشورها با فراز و نشیب فراوان روبرو بوده است. در همین دوران وقایع ناگوار بی شماری اتفاق افتاد که با

۱. ر.ک: آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۳۸۲.

2. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2955>

ماهیت دموکراسی در تضاد بود. جنگ‌های جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) که خانمان سوزترین حوادث برای بشریت بود و میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به کام مرگ فرستاد، در همین دوران به وقوع پیوست. حتی در خود ایالات متحده آمریکا که امروز خود را مهد دموکراسی قلمداد می‌کند و دیگر کشورها را با معیارهای خویش به این امر فرا می‌خواند، سابقه واگذاری حق رأی به زنان به کمتر از یکصد سال یعنی سال ۱۹۲۰ میلادی پس از مبارزات فراوان باز می‌گردد، آن هم تازه پس از ۵۵ سال که این حق قانوناً شامل مردان سیاه‌پوست شده بود.^۱

از تقای آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی قشرهای گوناگون جامعه به منظور مشارکت سیاسی و پذیرفتن نقش مسئولانه کنش‌گری سیاسی و اجتماعی، اهمیت فراوانی دارد. از این رو، کسب آگاهی و شناخت نسبت به امور عمومی جامعه، شناخت رهبران و کارگزاران سیاسی، تعامل مناسب مردم و حکومت، آگاهی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی و مانند آن، به منظور تربیت نسلی مسئول و تقویت رابطه دولت‌ملت برای آحاد جامعه اسلامی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

رهبر انقلاب درباره لزوم آگاهی و بینش سیاسی اعضای جامعه فرموده است: «این یک چیز مهمی است وقتی انسان جریان‌های گوناگون را می‌شناسد، می‌تواند پدیده‌ها را استنتاج کند که این پدیده چیست، چه شد که این اتفاق افتاد، در تحلیل، دچار خطا و اشتباه نمی‌شود».^۲

۱. جورج ریترز، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ص ۱۰۱.

۲. <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1775>

به صحنه آوردن ملت برای ایفای نقش کنش‌گری سیاسی و عضو مفید، مؤثر و مسئول جامعه اسلامی بودن که در اصطلاح علمی از آن به جامعه‌پذیری سیاسی (political socialization) یاد می‌شود، از ارمان‌ها و دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است که برگرفته از آموزه‌های ناب اسلامی است. چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَشْهُوْلُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ»^۱ از خدا بترسید، در حق بندگان و بلادش؛ زیرا شما حتی در برابر مکان‌ها و چارپایان مسئول هستید». در کنار آگاهی‌بخشی اقشار مختلف جامعه، توجه ویژه به رشد و آگاهی سیاسی زنان مسلمان و قرار دادن آنان در کانون توجه جهانیان، در حرکت انقلاب اسلامی، از اهمیتی بسزا برخوردار بوده است. ایفای نقش کنش‌گری سیاسی برای زنان و تشویق به مشارکت سیاسی برای آنان، برگرفته از آموزه‌های اسلامی و تاسی از سیره بانوان بزرگ اسلام همانند حضرت خدیجه و همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و تلاش آشکار حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام در حفظ حیات سیاسی جامعه اسلامی بوده است.

مطبوعات و رسانه‌های جمعی

مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی، در ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. هر گاه اختناق و استبداد به اوج رسیده، آزادی مطبوعات نیز تحدید شده است؛ و زمانی که فضای مناسب سیاسی بر کشور حاکم شده، مطبوعات نیز از آن بهره‌گرفته‌اند. با وقوع انقلاب اسلامی، توسعه رسانه‌ها و مطبوعات، به لحاظ کمی و

۱. شریف رضی، نهج البلاغه، تدوین صبحی صالح، خطبه ۱۶۷، ص ۲۴۲.

کیفی و در بخش‌های نشریات مکتوب و غیرمکتوب— چنان‌که امروز نشریات علمی دارای مجوز بیش از ۱۷۰۰ است^۱— رادیو، تلویزیون، رایانه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، با گسترش چشم‌گیری روبه‌رو بوده است؛ به گونه‌ای که امروزه هر یک از اعضای جامعه، دست‌کم به یکی از این رسانه‌ها دسترسی دارند. اهمیت نشریات و رسانه‌های آزاد برای نظام اسلامی از آن جهت است که اگر امروز موضوع فساد و قاچاق ذهن جامعه را درگیر ساخته، اطلاع‌رسانی از مجاری، عوامل، شیوه‌های عمل و شبکه‌های مرتبط با آن، تنها به همت مطبوعات، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مردم‌نهاد صورت گرفته است؛ و خود همین وضع، فضایی است که انقلاب اسلامی در اختیار مطبوعات قرار داده است؛ و اگرچه گاهی به دلیل فشار برخی افراد و گروه‌ها، از آزادی عمل مطبوعات و رسانه‌ها ممانعت می‌شود، حرکت کلی نظام و مسئولان آن تاکنون در جهت تحقق آزادی کامل رسانه‌ها در چارچوب موازین شرع و مصالح کلی نظام اسلامی بوده است.

تقویت محور مقاومت اسلامی

حدود ۱۲ سال پیش در سال ۱۳۸۵ رژیم جعلی صهیونیستی با پیشرفته‌ترین سلاح‌های خود به قصد نابودی جنبش مقاومت اسلامی موسوم به حزب‌الله، به جنوب لبنان حمله کرد. اما رژیم صهیونیستی از این تجاوز آشکار طرفی نیست و با مقاومت حیرت‌آفرین رزمندگان جنبش مقاومت و پس از ۳۳ روز نبرد، با شکست مفتضحانه عقب‌نشینی کرد و هرچند پس از آن دیگر سودای تجاوز به جنوب لبنان را در سر

1. <https://www.isna.ir/news>

نیرووراند، اما حمایت از حزب‌الله به عنوان محور مقاومت اسلامی، دینی بزرگ بر دوش همه ملل اسلامی است تا به تقویت آن در برابر دشمن صهیونیستی به عنوان مهره استکبار جهانی در منطقه - که سودای «خاورمیانه بزرگ» را در سر می‌پروراند - همت گمارند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحت رهبری هوشمندانه حضرت امام، روحیه آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی در میان مسلمانان ستمدیده جهان متجلی شد. از این رو، حمایت از آزادی‌خواهان و تمامی ملل ستمدیده به‌ویژه مسلمانان در سراسر جهان، از آرمان‌ها و دستاوردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. به همین جهت، از همان ابتدای شکل‌گیری، چرخش به سوی کشورهای غیرمتعهد به جای دولت‌های استکباری و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، در صدر برنامه‌ها و سیاست‌ها قرار گرفت.

بر همین اساس، اگر نبود نقش‌آفرینی‌ها و دلاورمردی‌های مقاومت اسلامی، سرنوشت امت اسلامی به گونه دیگری رقم می‌خورد. از این رو، حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی به دفاع از مردم سوریه و عراق در برابر داعش، علاوه بر این‌که کشورهای مسلمان را از خطر تجزیه و نابودی نجات داد، باعث شد تا از زیانه کشیدن آتش خشم دشمنان تشیع به سرحدات نظام اسلامی نیز جلوگیری شود.

استکبارستیزی

از اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر حاکم بر سیاست خارجی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن تصریح شده، اصل «نه شرقی، نه غربی» است. در شرایطی که جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود و

شاه ایران نیز به عنوان یکی از مهره‌های اصلی آمریکا در خاورمیانه، سیاست‌های تجاوزگرانه غرب و به خصوص آمریکا را پیاده می‌کرد و دیگر کشورهای مسلمان و جهان سوم نیز چاره‌ای جز قرار گرفتن تحت سیطره یکی از دو قطب حاکم نداشتند، انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی، نه غربی»، در واقع، نظام سلطه در جهان را به چالش کشید و استقلال کشور را تضمین کرد.

احیای اسلام سیاسی به عنوان یک مدل قابل‌اثکا در جهان معاصر، با تکیه بر اصل «نه شرقی، نه غربی» و همراه با آن، ارتقای سطح امید و آگاهی سیاسی در ملل جهان به‌ویژه جهان اسلام و تأثیر بر نهضت‌های مردمی جهان از جمله کمک به بیداری اسلامی، موجب به چالش کشیدن سلطه استکبار جهانی و در رأس آن ایالات متحده در عرصه بین‌المللی و افزایش نفوذ و اقتدار جهانی و منطقه‌ای ایران شده است.

به همین دلیل، «جیمز ریچارد» کارشناس روابط بین‌الملل در مصاحبه با خبرگزاری فارس گفته است: «ایران قدرت اول منطقه و بازیگر بسیار فعال و تأثیرگذار در سطح جهان است؛ و قدرت و نفوذی که ایران در کشورهای منطقه دارد، آمریکا ندارد؛ این نشانه دیپلماسی فعال ایران در بیش از ۳۰ سال گذشته بوده است».^۱

امام راحل درباره این سیاست می‌فرمایند: «ما نه تحت حمایت آمریکا و نه تحت حمایت شوروی و نه تحت حمایت هیچ قدرتی نیستیم... آن چیزی که شما می‌خواستید، جمهوری اسلامی بود؛ آن چیزی را که شما می‌خواستید، نه شرقی و نه غربی بود، این را حفظش کنید».^۲

۱. مجله شبانه باشگاه خبرنگاران، تاریخ انتشار: ۸ فروردین ۱۳۹۳، کد خبر:

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۶۲-۶۳.

تحقیر آمریکا

جنایت‌های آمریکا نسبت به مردم ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب، آن قدر زیاد است که حضرت امام از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ یاد کرده است. به همین جهت، مبارزه با آن همواره یکی از اصول عمده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در طول نیم قرن گذشته، هیچ حادثه‌ای به اندازه انقلاب اسلامی نتوانسته است به حیثیت بین‌المللی آمریکا ضربه وارد کند. سقوط رژیم شاهنشاهی که به عنوان مدافع و حافظ منافع آمریکا در منطقه عمل می‌کرد، اخراج ده‌ها هزار کارشناس و مستشار آمریکایی از ایران، خروج از پیمان ستو که برای حفظ منافع آمریکا تشکیل شده بود، تسخیر لانه جاسوسی و دستگیری دیپلمات‌های جاسوس و ده‌ها نمونه دیگر، از جمله موارد تحقیر آمریکا است. نامشروع اعلام کردن اسرائیل و به رسمیت نشناختن مذاکرات صلح خاورمیانه و اعلام مبارزه تا سرنگونی این رژیم غاصب که از حمایت‌های همه‌جانبه غرب و به خصوص آمریکا برخوردار است، از دیگر محورهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

از مطالب یادشده به روشنی درمی‌یابیم که انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی و بین‌المللی، دستاوردهای ارزشمندی داشته است. فروپاشی نظام سلطنتی و دیکتاتوری طاغوت با سابقه ۲۵۰۰ ساله و برقراری حکومت مردم سالاری دینی، با محوریت ولایت فقیه از مهم‌ترین دستاوردهای داخلی است. همچنین تأثیر بر مسایل راهبردی جهان، از جمله فروریختن

نظام دو قطبی حاکم بر دنیا، بازتاب و تأثیر جدی بر حرکت‌های رهایی‌بخش در جهان اسلام، معرفی اسلام ناب به عنوان یک مکتب تعالی‌بخش و تمدن‌ساز از آثار و برکات انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی به شمار می‌رود.